



ترامپ از «تنها آمریکا» تا «آمریکای تنها»

دولت ترامپ، با شعار «اول آمریکا» به قدرت رسید؛شعاری که مدعی اولویت‌بخشی به منافع داخلی بود، این شعار متعاقباً به رویکرد «تنها آمریکا» تبدیل شد به این معنی که تنها بازیگران حق برخورداری از رفاه و حیات مناسب را دارد و سایر بازیگران بین‌المللی باید صرفاً مجری اوامر باشند. جامعه جهانی این دیدگاه را برنتابید و در مقابل ترامپ ایستاد و در نتیجه، مرحله کنونی را دوره «آمریکای تنها» باید دانست.در چنین شرایطی، «آمریکای تنها» در پیشبرد سیاست‌های تحریمی علیه ایران نیز به دستاوردی نخواهد رسید. در ارتباط با تحریم های یکجانبه آمریکا به چند نکته باید توجه کرد.

۱- تحریم های اقتصادی پُر سروصدای آمریکا علیه ملت ایران در شرایطی اعمال می شود که ترامپ پس از شش ماه جنگ،تنوانسته به اهداف تعیین‌شده خود در قبال ایران دست یابد. آمریکا به همراه رژیم صهیونیستی در شش ماه گذشته، تمام توان نظامی خود را به‌کار گرفته، سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به‌خدمت درآورده و از ظرفیت جریان‌های معاند بهره بردند با این حال نه تنها موفق به «تسلیم ایران» نشدند بلکه در پی مدیریت هوشمندانه ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز ،اقداماتشان به اختلال در اقتصاد جهانی و جهش بهای نفت و مواد غذایی انجامید.آمریکا در این جنگ، متحمل شکست‌های سنگین نظامی با تلفات انسانی بی‌سابقه پس از جنگ ویتنام و نابودی بخش عمده‌ای از پایگاه‌های نظامی خود شد. از این رو، دولتمردان آمریکایی برای انحراف افکار عمومی از ناکامی‌های نظامی و کاهش فشارهای فزاینده داخلی و حفظ پایگاه رای در انتخابات آتی، با تبلیغات گسترده رسانه ای، ورود به فاز اقتصادی را کلید زده اند.

ادامه در صفحه ۲



حمله به لارک چگونه پارادوکس ترامپ در جنگ با ایران را آشکار کرد؟

آتش بازی پس از یک ماه آرامش

حمله آمریکا به لارک و پاسخ ایران، صرفاً دور تازه‌ای از «حمله و تلافی» نیست؛ نشانه تغییر زمین بازی جنگ است. تغییر مدیر یت نهاد امنیت ملی و حضور محسن رضایی، همزمان با تحولات میدان، می تواند از راهبردی خبر دهد که هدفش افزایش هزینه تصمیم نظامی آمریکا و انتقال فشار جنگ به اقتصاد و سیاست داخلی واشنگتن است.

حمله آمریکا به جزیره لارک و پاسخ ایران را نمی توان یک دور دیگر از چرخه معمول «حمله و تلافی» دانست.اهمیت این رخداد در این است که در میانه یک بن‌بست سیاسی و نظامی، نشانه‌هایی از تغییر زمین بازی آشکار شده است؛ تغییری که در آن ایران تلاش می‌کند به جای رقابت پرهزینه با آمریکا در حوزه بر تری نظامی، هزینه استفاده آمریکا از این بر تری را افزایش دهد.

این تحول درست پس از یک دوره فشرده فشار سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک رخ داده است. آمریکا در هفته‌های اخیر بر تشدید فشار اقتصادی، ادامه جنگ و بی‌نیازی از مذاکره تأکید داشت و تلاش می‌کرد این پیام را منتقل کند که زمان به سود تهران نیست. همزمان،رفت‌وآمد مقام‌های پاکستانی، عمانی و قطری به تهران نیز افزایش یافت؛ روندی که دست‌کم می‌توان احتمال داد بخشی از آن با هدف انتقال پیام‌ها و ایجاد فشار غیرمستقیم برای تغییر محاسبات ایران انجام شده باشد. رسانه‌های منطقه‌ای نیز این رفت‌وآمدها را در چار چوب تلاش برای کاهش تنش و باز کردن مسیر دیپلماسی توصیف کرد‌ه‌اند.

اما آنچه پس از این دیدارها رخ داد از تغییر راهبرد تهران حکایت نکرد.



حضور رئیس جمهور اسلامی ایران در بیست و ششمین اجلاس سران سازمان همکاری‌های شانگهای، همزمان با تشدید فشارهای اقتصادی و تحریمی یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، فرصت دیپلماتیک قابل توجه برای خنثی کردن تلاش‌های واشنگتن برای انزواي تهران است. به گزارش ایرنا، ۲۵ خرداد ۱۳۸۰ چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان یکی از مهم‌ترین نهادهای چند جانبه در منطقه اوراسیا را پایه‌گذاری کردند، نهادی که قرار است از فردا در بیشکک، پایتخت قرقیزستان، بیست و ششمین اجلاس سرانش را به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تاسیس این سازمان منطقه‌ای اکنون با ۱۰ عضو اصلی، از جمله ایران برگزار کند.

شعار این اجلاس «۲۵ سال سازمان همکاری شانگهای: با هم برای صلح، توسعه و رفاه پایدار» است که با حضور مسعود پزشکیان، رئیس جمهور اسلامی ایران، شی جین‌پینگ، رئیس جمهور چین، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، نازندار مودی، نخست‌وزیر هند و شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان به اضافه آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد وزن بسیار بالایی دارد. این سازمان چندجانبه منطقه‌ای اکنون بیش از ۳.۴ میلیارد نفر جمعیت (حدود ۴۰٪ جمعیت جهان) و نزدیک به ۲۵٪ تا ۳۰٪ تولید ناخالص داخلی (GDP) جهان را نمایندگی می‌کند. مسعود پزشکیان، رئیس جمهور اسلامی ایران نیز روز دوشنبه ۹ شهریور، برای شرکت در این اجلاس راهی قرقیزستان می‌شود. انتظار می‌رود که پزشکیان در حاشیه این اجلاس دیدارهای دو جانبه مهمی با رهبران کشورهای دوست از جمله چین و روسیه انجام دهد.

این سفر یک هفته بعد از اعلام موج جدید تحریرها و فشار اقتصادی واشنگتن و همزمان با استمرار تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران انجام می‌شود و می‌تواند به فرصتی برای دیپلماسی بویای تهران برای یافتن فرصت‌های جدید با هدف خنثی کردن فشارهای تجاوزکارانه آمریکا ایجاد کند. سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز مرداد ماه امسال برای شرکت در شورای وزیران سازمان همکاری شانگهای به قرقیزستان سفر کرده‌بود. عراقچی در سخنرانی خود در جمع وزیران امور خارجه کشورهای عضو ضمن اشاره به ضرورت «گذار از همکاری‌های عمدتاً سیاسی و امنیتی به سوی یک مشارکت جامع اقتصادی، فناورانه و توسعه‌محور» تأکید کرد: «سکوت و مواضع دوپهلو در برابر

دفتر نخست وزیری پاکستان در بیانیه‌ای از دیدار دوجانبه نخست وزیر این کشور با رئیس جمهوری اسلامی ایران در بیشکک اعلام کرد که شهباز شریف بر لزوم خویشتنداری و تعامل دیپلماتیک برای دستیابی به صلح در منطقه تأکید داشت و مسعود پزشکیان نیز از وی برای سفر به تهران دعوت کرد. به گزارش روز دوشنبه خبرنگار ایرنا از روابط عمومی دفتر نخست وزیری پاکستان در اسلام‌آباد، محمد شهباز شریف امروز در حاشیه اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در شهر بیشکک پایتخت قرقیزستان با مسعود پزشکیان رئیس جمهور ایران دیدار کرد. در بیانیه طرف پاکستانی آمده است: در این دیدار گرم و صمیمانه، سران دو کشور بر روابط نزدیک و دیرینه ایران و پاکستان تأکید کرده و خواستار تقویت بیشتر این روابط در تمام زمینه‌های همکاری مطابق با

به بمبئی از طریق ایران و بنادر خلیج فارس و اقیانوس هند محسوب می‌شود. مسیر ایران در عین حال بهترین مسیر اتصال چهار کشور آسیای میانه به آب‌های گرم تلقی می‌شود. با این حال بسیاری از تحلیلگران معتقدند که عضویت در سازمان همکاری شانگهای برای ایران مصوبیت ایجاد نمی‌کند، بلکه یک مسکن برای تنوع بخشی به دروازه‌های تجارت و شرکای بین‌المللی ایران و یک مکمل برای روابط تهران با دیگر کشورهای جهان تلقی می‌شود. ناصر التیمی، پژوهشگر مرکز میدایست استراتژیا در شبکه اجتماعی ایکس می‌نویسد: «سازمان همکاری شانگهای به ایران عمق راهبردی می‌دهد، اما مصوبیت اقتصادی ایجاد نمی‌کند. شانگهای می‌تواند به تهران کمک کند تا با شرایط جدید تطبیق یابد، تنوع ایجاد کند و دوام یابورد، اما نمی‌تواند قدرت سیستم مالی محور آمریکا را خنثی کند.»

پیش به سوی نظم چندجانبه
سازمان همکاری شانگهای در طول ربع قرن فعالیتش، توانسته است الگویی کم نظیر از همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان الگوی جایگزین نظم تحت سلطه آمریکایی عرضه کند. سواران سینگ، استاد دیپلماسی دانشگاه جواهر لعل نهرو در دهلی نو در نشریه دیپلمات می‌نویسد: «ارزیابی شانگهای پس از ۲۵ سال نشان می‌دهد این سازمان یک ساختار محصوربفرد برای نهادهینسازی همزیستی بدون همکاری ایجاد کرده است. شانگهای شفاف اعتماد میان اعضا را حل نکرده، بلکه آن را زیر پوشش دیپلماسی و بروکراسی هدایت کرده است. قدرت واقعی شانگهای در این است که رقیبای استراتژیک یاد گرفته‌اند بدون اعتماد به یکدیگر، کنار هم زندگی کنند و گفتگو را قطع نکنند.» هر چند نمی‌توان انتظار داشت که اجلاس بیشکک در پیشبرد صلح و امنیت در خاورمیانه عامل تحولی خارق‌العاده شود، اما این نشست بسترى بسیار حیاتی و کم‌نظیر برای دیپلماسی متوازن، جامایی در کردبوره‌های ترازبینی اوراسیا و تثبیت جایگاه کشور در معادلات چندقطبی جهان فراهم می‌سازد.

در عین حال بیست و ششمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای فرصتی برای تهران است که در اوج فشارهای اقتصادی و نظامی ایالات متحده آمریکا، نشان دهد که از پشتیبانی دیپلماتیک و سیاسی قدرت‌های جهانی شرق برخوردار است و تلاش‌ها برای انزواي دیپلماتیک ایران با شکست مواجه شده‌اند.

وی بر اهمیت خویشتنداری و تعامل دیپلماتیک پایدار برای دستیابی به صلح و ثبات پایدار در منطقه تأکید کرد. شهباز شریف بر لزوم تقویت تفاهات حاصل شده تحت تفاهم‌نامه اسلام آباد تأکید کرد و اظهار داشت: این تفاهم‌نامه تنها مسیر مناسب برای صلح پایدار در منطقه را ارائه می‌دهد. در بیانیه دفتر نخست وزیری پاکستان به نقل از اظهارات رئیس جمهور ایران آمده است: مسعود پزشکیان از تلاش‌های دیپلماتیک پاکستان برای صلح و امنیت منطقه‌ای یاد گرفته‌اند و رئیس جمهوری ایران همچنین بر استحکام پایدار در روابط دو کشور که ریشه در قرن‌ها تاریخ، فرهنگ و ایمان مشترک دارد، تأکید و بار دیگر تمایل قوی تهران برای تعمیق بیشتر همکاری‌های مشترک در طیف وسیعی از حوزه‌های مختلف را اعلام کرد.

شانگهای در ایستگاه بیست و پنجم

فرصت‌های دیپلماتیک تهران در بیشکک

فرصت‌های دیپلماتیک شانگهای در دوره جنگ

حضور مسعود پزشکیان در بیشکک همزمان با تشدید فشارهای اقتصادی و تحریم‌های ثانویه آمریکا، فضایی برای شکستن تلاش برای محاصره دیپلماتیک و تقویت مواضع چندجانبه‌گرایی ایجاد می‌کند. بیانیه‌ها و مواضع شانگهای در نفی یک‌جانبه‌گرایی و تحریم‌های خارج از چارچوب منشور سازمان ملل، در شرایط تجاوز نظامی آمریکا و فشار واشنگتن به کشورهای جهان برای قطع ارتباط تجاری و مالی با تهران چتر حمایتی و مشروعیت دیپلماتیک بین‌المللی برای جمهوری اسلامی فراهم می‌کند.

یکی از دستورات کارهای اصلی نشست امسال، پیشبرد فرآیند ایجاد بانک توسعه سازمان همکاری شانگهای است. ایران یکی از اعضای است که به شدت پیگیر راه‌اندازی این نهاد مالی است تا بتواند از طریق آن از راه‌کارهای مالی جایگزین دلاری بهره‌مند شود. در عین حال روسیه نیز به‌دنبال تعقیق روابط اقتصادی-امنیتی با قدرت‌های آسیایی برای بی‌اثر کردن فشارهای غرب است. دیدارهای دوجانبه پوتین با مسعود پزشکیان و شی جین‌پینگ در حاشیه بیشکک، محور این دیپلماسی است. تهران و مسکو، هر دو در سال‌های اخیر از سوی غرب تحت فشار قرار گرفته‌اند و به همین دلیل سازمان همکاری شانگهای می‌تواند فرصتی بی‌نظیر برای آنها ایجاد کند تا بتوانند از طریق تقویت روابط با قدرت‌های نوظهور آسیایی و بازارهای جدید در آسیای میانه و آسیای جنوبی، اقتصاد خود را در دوران تحریم و فشار غرب تقویت کنند. نورلان یرمکیایف، دبیرکل سازمان همکاری شانگهای در گفتگویی اختصاصی با گروه رسانه‌ای چین (CMG) پیش از این نشست تصریح کرد: «وزرای خارجه شانگهای اتفاق‌نظر دارند که اعمال تحریم‌های یک‌جانبه ناقض منشور سازمان ملل و حقوق بین‌الملل غیرقابل قبول است. در روابط بین‌الملل امروز، فشار، سیاست زور یا اوتلیما‌توم نباید مجاز باشد و تمام مسائل باید از طریق مذاکره و دیپلماسی حل‌وفصل شوند.»

تهران فرصت‌های بی‌نظیری برای همکاری‌های ترازبینی و تجاری با شوروهایی منطقه آسیای میانه، اوراسیا، آسیای جنوبی و آسیای شرقی از طریق سازمان همکاری شانگهای به دست می‌آورد. اجلاس پیش رو فرصتی برای بررسی و پیشبرد برنامه‌های ایران برای تکمیل کریدور شمال جنوب است که یک مسیر ترازبتی ۷۲۰۰ کیلومتری از سن پترزبورگ

دعوت پزشکیان از شهباز شریف برای سفر به تهران

تأکید پاکستان بر خویشتنداری و تعامل دیپلماتیک

تصمیمات اتخاذ شده در سفر اخیر پزشکیان به اسلام‌آباد شدند. نخست وزیر پاکستان از رئیس جمهوری مسعود پزشکیان برای سفر رسمی به اسلام‌آباد در اولین فرصت ممکن دعوت کرد. رئیس جمهور ایران نیز از شهباز شریف برای شرکت در اجلاس آتی کشورهای سازمان اکو در تهران در دسامبر امسال دعوت کرد. آنان در ادامه تلاش‌های جاری با هدف افزایش اتصالات منطقه‌ای و ارتباطات مردمی بین دو کشور همسایه را بررسی کردند. نخست وزیر پاکستان و رئیس جمهوری اسلامی ایران همچنین بر ضرورت ضعیف منطقه‌ای تبادل نظر کردند. شهباز شریف ضمن تأکید مجدد بر اینکه پاکستان به تلاش‌های صادقانه خود برای ایجاد صلح منطقه‌ای ادامه خواهد داد، اظهار داشت که سفر اخیر فیلد مارشال عاصم منیر به تهران و تعاملات سازنده وی در این زمینه نویدبخش است.

اخبار

وسواس چهارده‌های ترامپ برای تصرف جزیره خارک

تله مرگ برای نظامیان آمریکایی

واسواس لفظی و عملی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای تصرف یا نابودی جزیره خارک به‌عنوان شریان اصلی صادرات نفت ایران، بار دیگر در قالب ویدئویی ساخته‌شده توسط هوش مصنوعی که در حساب کاربری او در شبکه اجتماعی تروت سوشیال منتشر شد، به نمایش گذاشته‌شد. اما ترامپ چرا تا این اندازه نسبت به تصرف خارک حساس است و دائم در این مورد لاف‌زنی می‌کند؟ به گزارش خبرآنلاین، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا طی روزهای اخیر بار دیگر تهدیدهای خود مبنی بر تصرف یا انهدام کامل جزیره خارک را تکرار کرده است؛ صخره‌ای مرجانی به طول حدود ۸ کیلومتر در عمق آب‌های خلیج فارس که بیش از ۹۰ درصد از کل صادرات نفت خام ایران از طریق پایگاه‌ها و اسکله‌های بارگیری آن انجام می‌شود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با انتشار یک ویدئوی شبیه‌سازی‌شده توسط هوش مصنوعی در شبکه اجتماعی «تروت سوشیال» (Truth Social) مدعی شد که جزیره خارک «در حال تبدیل شدن به خاکستر و تکه‌تکه شدن است»؛ ادعایی که اگرچه از سوی هیچ منبع مستقلی تأیید نشد، اما نشان‌دهنده تمرکز فوق‌العاده و وسواس ذهنی چنددهه‌ای وی بر روی این نقطه کلیدی از جغرافیای ایران است.

وسواس تاریخی ۴۰ ساله ترامپ؛ از گفتگوی ۱۹۸۸ تا تهدیدهای امروز

بررسی مواضع و اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نشان می‌دهد که نگاه وی به جزیره خارک به‌عنوان یک «هدف اصلی» به سال‌ها پیش از ورودش به دنیای سیاست بازمی‌گردد. وی نخستین بار در سال ۱۹۸۸ و در جریان «جنگ نفت‌کش‌ها» در مصاحبه با روزنامه روزنامه گاردین تصریح کرده بود: «اگر یک گلوله به سمت نیروها یا کشتی‌های ما شلیک شود، کار جزیره خارک را تمام می‌کنم؛ وارد می‌شوم و آن را تسخیر می‌کنم.»

وی هفته گذشته نیز در گفتگو با شبکه فاکس نیوز اعلام کرد: «ترجیح همیشگی من این بوده است که جزیره خارک را تصرف کنیم؛ اگرچه نمی‌دانم آیا آمریکا توان و جسارت لازم برای انجام چنین کاری دارد یا خیر. اما تصرف آن تروت عظیمی به همراه خواهد داشت.» مقایسه این مواضع با اظهارات ترامپ پس از تسلط بر بازار نفت ونزوئلا، نشان می‌دهد که مقامات کاخ سفید تصور می‌کنند کنترل یا انهدام این جزیره می‌تواند سپاه پاسداران و دولت ایران را به‌سرعت ورشکسته کرد و جنگ را به پایان برساند.

ویژگی‌های استراتژیک جزیره خارک؛ چرا این صخره مرجانی کلیدی است؟
جزیره خارک در فاصله کمتر از ۳۰ کیلومتری (۲۰ مایل) از ساحل ایران واقع شده و به دلیل ساختار زمین‌شناختی و عمق مناسب آب‌های اطرافش، تنها نقطه‌ای در خلیج فارس است که سوپر‌تانکرها و نفت‌کش‌های غول‌پیکر می‌توانند به آن پهلو بگیرند. اکثر خطوط لوله زیردریایی ایران نفت خام تولیدی کشور را به مخازن ذخیره‌سازی خارک، با ظرفیت برآورد شده حدود ۳۰ میلیون بشکه، منتقل می‌کنند. بر اساس اسناد از افشا شده آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا (CIA) که قدمت آن‌ها به سال ۱۹۸۴ بازمی‌گردد، تاسیسات خارک «حیاتی‌ترین بخش از سیستم نفتی ایران است که تداوم فعالیت آن برای حیات اقتصادی کشور الزامی است.» اگرچه ایران در سال‌های اخیر ترمینال نفتی جاسک در شرق تنگه هرمز را راه‌اندازی کرده، اما گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) نشان می‌دهد که خطوط جایگزین هنوز توان عملیاتی و ظرفیت لازم برای جایگزینی کامل خارک را ندارند.

تله مرگ برای نیروهای آمریکایی

با وجود مانورهای کلامی ترامپ، ارزیابی‌های اندیشکده‌ها و فرماندهان نظامی آمریکا نشان می‌دهد که هرگونه عملیات زمینی یا اشغال این جزیره، ریسک‌های مرگ‌باری برای واشنگتن به همراه خواهد داشت. کریستین امری، دانشیار روابط ایران و آمریکا در کالج دانشگاهی لندن (UCL) در گفت‌وگویی با ان‌بی‌سی نیوز با بررسی سناریوی حمله نظامی تأکید می‌کند: «اگرچه ترامپ روی این احتمال قمار می‌کند که ایران از دست دادن ده‌ها میلیارد دلار درآمد سالانه تسلیم خواهد شد، اما موفقیت نظامی در این عملیات به هیچ وجه تضمین‌شده نیست و خطری واقعی وجود دارد که درگیری‌ها به یک بحران بسیار گسترده‌تر و خطرناک‌تر تبدیل شود.» امری تصریح کرد: «جزیره خارک در تیررس مستقیم موشک‌ها، تویخانه و پهپادهای ساحلی ایران قرار دارد، حتی اگر آمریکا بتواند جزیره را تصرف کند، نگه داشتن آن و پشتیبانی از نیروها زیر آتش مداوم ایران بسیار دشوار خواهد بود؛ عملیاتی که می‌تواند جنگ را به یک باتلاق فرسایشی چند ماهه تبدیل کند.»